

ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی و انعکاس امنیتی آن بر جمهوری اسلامی ایران

طهمورث حیدری موصول^۱ - محسن جان پرور^۲

چکیده

اگر چه با فروپاشی شوروی در دهه ۱۹۹۰ میلادی، مهمترین و بزرگترین تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران از سمت مرزهای شمالی برداشته شد، اما با شکل گیری مسائل امنیتی جدید ناشی از فروپاشی شوروی و خلأ قدرت ناشی از آن، جمهوری اسلامی ایران با چالش‌ها و تهدیدات جدیدی از سوی کشورهای منطقه قفقاز جنوبی، بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای حاضر در این منطقه مواجه شد. در واقع، اهمیت ژئواستراتژیکی، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیکی قفقاز جنوبی سبب شکل گیری کمربند رقابتی در مرزهای شمالی ایران به ویژه از ناحیه حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای، ساختارها و طرح‌های رقابتی غربی شده و این تحولات ایران را با تهدیداتی چون تهدید سرزمینی، اقتصادی، فرهنگی و ... رو به رو ساخته که در صورت ادامه این روند شاهد تأثیرات منفی به سزایی در موقعیت و عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی خواهیم بود.

در این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای از یک طرف به تبیین مسائل و تحولات ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی و از طرف دیگر به انعکاس امنیتی آن نسبت به ایران می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، قفقاز جنوبی، قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، ج.ا. ایران.

^۱ - کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس Heidari2020@gmail.com

۰۹۱۷۳۹۲۰۳۴۶

^۲ - دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

با فروپاشی شوروی و استقلال کشورهای قفقاز جنوبی، تغییرات گسترده‌ای در جغرافیای سیاسی این منطقه پدیدار شد و خلاء قدرت ناشی از فروپاشی شوروی فرصت جدیدی را برای کشورهای منطقه و بازیگران فرامنطقه‌ای فراهم ساخت تا با توجه به منافع ملی و اهداف استراتژیک خود معادلات جدیدی از روابط خود با کشورهای منطقه را تعریف کنند. این منطقه مرکب از سه کشور آذربایجان، ارمنستان و گرجستان است که توسط سه قدرت منطقه‌ای، ایران، روسیه و ترکیه محاصره شده است. موقعیت جغرافیایی-ژئوپلیتیکی و وجود منابع قابل توجه انرژی، این منطقه را به یکی از مهم‌ترین مناطق جهان تبدیل نموده است. آمریکا، روسیه، اروپا، ایران، ترکیه، چین و ... از جمله مهم‌ترین قدرت‌هایی هستند که با منافع متفاوت و متضاد خود تلاش‌های گسترده‌ای را جهت حضور در منطقه بعمل آورده‌اند. بنابراین، با توجه به قرابت جغرافیایی و فرهنگی ایران با این حوزه تمدنی، تحولات موجود در این منطقه می‌تواند امنیت ملی ما را تحت تأثیر قرار دهد. در همین راستا، ما در این پژوهش به تبیین بازی‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌ها در منطقه و اثرات امنیتی آن بر ایران می‌پردازیم.

روش تحقیق

روش اصلی این تحقیق، با توجه به ماهیت نظری و کتابخانه‌ای آن توصیفی-تحلیلی است. همچنین به روش کیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. سؤال اصلی پژوهش ما این است که، قفقاز جنوبی با چه تحولات و رویکردهای ژئوپلیتیکی مواجه می‌باشد؟ و اثرات امنیتی این تحولات بر ایران چگونه خواهد بود؟

یافته‌های تحقیق

قدرت‌های منطقه‌ای

ترکیه

جایگاه قفقاز جنوبی هم در سیاست خارجی و امنیتی ترکیه متأثر از متغیرهایی نظیر تلاش برای احیای هویت فرهنگی ترکی (پان تورکیسم) و پررنگ نمودن اشتراکات فرهنگی - تاریخی ترکیه با منطقه، بهره مندی از پتانسیل‌های اقتصادی این منطقه است (حیدراف، ۱۳۸۶، ۶۷). از طرف دیگر ترکیه به عنوان سکوی غرب و پایانه ناتو، نقطه اتکای استراتژیک خود را در آذربایجان تعریف کرده است. این کشور نقطه استراتژیک خود را در درون قفقاز؛ نخست آذربایجان و سپس گرجستان می‌داند. این قدرت برای ورود به آذربایجان و حتی آسیای مرکزی اتصال جغرافیایی ندارد، بلکه باید از طریق نخجوان یا از طریق موقعیت ایران وارد شود (امام جمعه زاده و تویسرکانی، ۱۳۸۷، ۸۹). به همین علت، ترکیه توجه خود را به گرجستان بیشتر کرده تا بتواند با مهم‌ترین کشور قفقاز یعنی با جمهوری آذربایجان در ارتباط باشد. حوادث سال‌های اخیر در منطقه قفقاز باعث شده تا در ترکیه اراده‌ای برای تحول در نگاه ترکیه به قفقاز حاصل شود. ترکیه می‌داند که صرفاً با تاکید بر همبستگی قومی - نژادی و زبانی نه تنها قادر به تأمین منافع ملی ترکیه نیست، بلکه ترکیه را در تضاد با

قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله روسیه، چین، ایران، ارمنستان و گرجستان قرار می‌دهد. به همین جهت در سیاست قوم‌گرایانه‌اش به صورت جدی معتدل و منعطف شد. منازعه تاریخی ارمنه با ترکیه نه تنها محدودیت‌های ژئوپلیتیکی برای ورود ترکیه به قفقاز و آسیای مرکزی به وجود آورد، بلکه در سطح بین‌المللی هم به ابزار فشار دشمنان و رقیبان ترکیه تبدیل شده است. ترک‌ها درصدد هستند منازعه ارمنه - ترکیه را در فضای دیپلماتیک نوین ترکیه که با تساهل و تسامح بیشتر همراه است، حل نمایند (مجتهدزاده، ۱۳۸۷، ۲۱). در همین راستا، «نقشه راه» بین ترکیه و ارمنستان به امضا رسید. هرچند نقش ایالات متحده آمریکا در امضای نقشه راه کلیدی بود. در نقشه راه عادی شدن روابط ارمنستان با ترکیه، باز شدن مرزهای ترکیه بر روی ارمنه که به علت اشغال ۲۰ درصد از اراضی آذربایجان در سال‌های اول دهه ۱۹۹۰ بسته شده بود، مد نظر است (افضلی و حسینی، ۱۳۸۷، ۱۶۳). البته ترک‌ها هرچقدر به عادی سازی روابط با ارمنستان نزدیک می‌شوند، به همان اندازه نگاه دستگاه حاکمیت جمهوری آذربایجان را نسبت به خود را تردیدآمیز می‌کنند. الهام علی اف، رئیس جمهوری آذربایجان تلاش می‌کند با تنوع سازی سیاست خارجی خود و حتی مسیر انتقال انرژی نفت و گاز، قدرت توازن سازی و بازیگری خود را به رخ ترکیه بکشد.

روسیه

روسیه، قفقاز جنوبی را به عنوان حیاط خلوت خود محسوب می‌کند و حاضر به پذیرش نقش آفرینی هیچ یک از قدرت منطقه‌ای در ترتیبات امنیتی قفقاز جنوبی نیست. از طرفی جمهوری آذربایجان و گرجستان تلاش می‌نمایند از دایره امنیتی روسیه خارج شده و خود را در طرح‌های امنیتی غرب تعریف نمایند؛ به همین جهت روسیه در فضای امنیتی این منطقه، ارمنستان را نقطه استراتژیک خود قرار داده است (فیاضی، ۱۳۸۶، ۲۳). روسیه به عنوان مهمترین قدرت منطقه‌ای همواره منافع تعریف شده‌ای در منطقه قفقاز داشته است. اولویت‌های سیاست روسیه در قفقاز عبارتند از: «حفظ وضع موجود، ایجاد کمربندی از کشورهای دوست در اطراف فدراسیون روسیه؛ با انعقاد قراردادهای دو جانبه امنیتی میان خود و کشورهای منطقه، جلوگیری از بهره‌گیری از خاک قفقاز جنوبی برای تهدید روسیه، تحدید دامنه منازعات نظامی در منطقه، جلوگیری از مهاجرت غیرقانونی از قفقاز جنوبی به روسیه، همکاری با آمریکا در بخش نظامی برای مقابله با تروریسم، تضمین شرایط مطلوب برای صدور نفت و گاز، تضمین آزادی کشتیرانی در دریای سیاه و دریای خزر، مساعدت به ثبات داخلی کشورهای حوزه قفقاز». علاوه بر این موارد، رسیدگی به وضعیت روس‌های ساکن در قفقاز از دیگر اولویت‌های مهم فدراسیون روسیه در این منطقه محسوب می‌شود (احمدی، ۱۳۸۷، ۸۷). در واقع، این کشور اقدامات ذیل را در راستای طرح‌های خود به انجام می‌رساند: الف- اتصال ژئوپلیتیک با ارمنستان؛ که برای رسیدن به آن باید گرجستان را هموار کند. به همین دلیل، اهمیت گرجستان برای روسیه صرفاً ناشی از تحولات داخلی گرجستان نیست بلکه می‌خواهد (در صورت ادامه پروسه ضد روسی و در کنار غرب واقع شدن گرجستان) با ایجاد یک کریدور بین اوستیای شمالی و اوستیای جنوبی، گرجستان را تقسیم و خود را به ارمنستان نزدیک نماید. به عبارتی دیگر، روسیه برای سلطه ژئوپلیتیک در منطقه، باید ارمنستان را حفظ و گرجستان را مدیریت خود داشته باشد. به این ترتیب، آذربایجان در تله استراتژیک روسیه می‌افتد؛ ب- یکی از سیاست‌های روسیه در قفقاز جنوبی تحریک قومیت‌ها و تبدیل آن به نیروی متخاصم در برابر

دولت‌های متبوعشان است. بحران قره باغ در جمهوری آذربایجان، بحران آبخازیا و اوستیای جنوبی در اتاق‌های فکر روسیه طراحی و توسط نیروهای نظامی - امنیتی این کشور عملیاتی شد. البته این گونه پروژه‌ها تا زمانی که کشورهای این منطقه سودای آمریکا و ناتو را خواهند داشت می‌تواند ادامه‌دار باشد؛ ج- سه ضلعی نمودن منازعه درون پازل قفقاز؛ روس‌ها در زمان اتحاد شوروی برای حفظ هژمونی خود در قفقاز و برای جلوگیری از گرایش جمهوری‌های این کشورها به همسایگان، سعی می‌کردند این جمهوری را وارد یک منازعه هویتی با همسایگان نمایند. برای نمونه منازعه روانی آرامنه با ترکیه و همچنین منازعه روانی آذربایجان با ایران در اتاق‌های فکر روسیه دوره شوروی طراحی می‌شد. بعد از فروپاشی نیز روس‌ها منازعه را به داخل قفقاز کشیدند و پروژه منازعه آذری - ارمنی را نهادینه کردند. به هر حال روسیه در قفقاز جنوبی تلاش می‌کند، اولاً از ورود ناتو و سایر نهادهای امنیتی غرب جلوگیری نماید و سپس سطح نفوذش را در این منطقه به مختصات شوروی برگرداند (فلاح، ۱۳۸۸، ۱۵).

قدرت‌های فرامنطقه‌ای

اهداف و سیاست‌های ایالات متحده

زینو باران از بنیاد نیکسون در مورد قفقاز می‌گوید: «پس از ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده نمی‌تواند حضور و وجود دولت‌های ضعیف، مناطق بحرانی، شبکه‌های تروریستی و دولت‌های غیرمسئول را در نظام بین‌الملل تحمل کند و بدین جهت ایالات متحده در راستای تحقق این گزاره‌ها باید پس از به سرانجام رسانیدن مسأله عراق بدون هیچ گونه تردیدی رسالت تاریخی خود را در منطقه قفقاز انجام دهد؛ زیرا این منطقه به علت ویژگی‌های ساختاری و جغرافیایی مستعد رشد شبکه‌های تروریستی و بحران‌های قومی می‌باشد. قفقاز می‌تواند افغانستان جدیدی را در جغرافیای روابط بین‌المللی خلق نماید که منافع ایالات متحده را مورد تهاجم قرار دهد. از این رو ایالات متحده باید وارد قفقاز شود و با حل بحران‌های موجود در این منطقه، حضور خود را در این مکان برای سال‌ها مشروعیت بخشد» (Hellen, 2005, 45). بنابراین، جایگاه ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک قفقاز موجب شده شده است که ایالات متحده آمریکا این منطقه را با روسیه و ایران در تنازع قرار داده و آن‌ها را از معادلات اقتصادی و امنیتی قفقاز کنار گذارد. به همین جهت در چند سطح عمل می‌نماید؛ الف- ایجاد فرایندی که سه کشور قفقاز در نهایت به عضویت سازمان نظامی ناتو درآیند و از ساختارهای روسی دوری جویند؛ ب- انتقال انرژی نفت و گاز منطقه از مسیرهایی صورت بگیرد که در نهایت از کنترل روسیه و ایران خارج شود؛ ج- مهندسی معکوس تنازع درون قفقاز به محیط پیرامونی؛ (برای نمونه ایجاد تنش بین گرجستان با روسیه و جمهوری آذربایجان با ایران) (Gumpel, 2004, 74)؛ د- سیاست دوگانه آمریکا در حل بحران قره باغ؛ در این ارتباط، امریکایی‌ها هرچند که در سیاست اعلامی‌شان آذربایجان را شریک استراتژیک خود قلمداد می‌کنند، اما در سیاست اعمالی‌شان کاملاً به نفع آرامنه و بر ضد آذری‌ها حرکت می‌کنند. برای نمونه، تصویب ماده ۹۰۷ در اوایل بحران ارمنستان با آذربایجان در جهت تحریم تسلیحاتی جمهوری آذربایجان، کمک‌های مستقل مالی به دولت خودخوانده قره باغ، دو برابر بودن کمک‌های مالی آمریکا به ارمنستان نسبت به آذربایجان، عدم رأی مثبت به لایحه وحدت ارضی آذربایجان در مجمع

عمومی سازمان ملل متحد، وارد کردن جمهوری آذربایجان به بازی بی‌انتهای گروه مینسک، مجموعاً باعث شده است که در درون قفقاز در کنار جریان همگرایی با ایالات متحده آمریکا، پروسه یک جریان معکوس، یعنی واگرایی با آمریکا شکل بگیرد.

اتحادیه اروپا

اروپایی‌ها معتقدند که بدون وجود امنیت در قفقاز تأمین امنیت اروپا مقدور نیست و بدین جهت اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر تلاش کرده است با انتخاب یک نماینده ویژه در منطقه با یک دستور کار مشخص (همانگونه که ایالات متحده جیمز بیکر را به این سمت برگزیده) این اهداف را پیگیری نماید (Alison, 2007, 13). «تالی رات»، نماینده ویژه اتحادیه اروپا در امور قفقاز برای افزایش گستره حضور اتحادیه اروپا در فضای سیاسی منطقه محورهای زیر را در دستور کار خود قرار داده است: الف- مشارکت بیشتر اتحادیه در حل منازعات منطقه؛ ب- افزایش نقش سیاسی اتحادیه در قفقاز؛ ج- تحت حمایت قراردادن همکاری‌های منطقه‌ای؛ د- یاری رسانیدن به توسعه اقتصادی این منطقه، کمک به مهاجرین و در نهایت تأثیرگذاری بر سیر و روند تحولات داخلی این منطقه (Iggignor, 2008, 47).

قفقاز جنوبی و تأثیرات امنیتی ایران

حضور بازیگرانی چون ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، چین، ترکیه و اسرائیل در مناطق پیرامونی ایران و گاهی اوقات تحرکات امنیتی این کشورها علاوه بر کاهش نفوذ ایران در قفقاز جنوبی، تهدیدات امنیتی جدیدی را برای ایران ایجاد نموده است. همچنین ادعاهای ارضی جمهوری آذربایجان علیه ایران، تهدیدی جدی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. اختلاف ایران با کشورهای ساحلی این دریا و حضور بازیگران فرامنطقه‌ای باعث ایجاد اخلاف در رسیدن به یک تفاهم اساسی در مورد رژیم حقوقی دریای خزر شده است (مهدیزاد، ۱۳۸۸، ۱).

ج.۱. ایران ایران علاقه‌مند به بین‌المللی شدن مسائل و چالش‌های قفقاز نیست؛ زیرا در این صورت قدرت‌های فرامنطقه‌ای به بهانه‌های مختلف، در سطوح و لایه‌های مختلف این منطقه نقش آفرینی خواهند نمود و در صورت نیاز هم سطحی از منازعه و بحران‌های منطقه‌ای را خلق خواهند کرد. به طور کلی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز سیاست زیر را دنبال می‌کند؛ ۱- ایران حضور و نفوذ قدرت‌ها و ساختارهای فرامنطقه‌ای از جمله غرب را (بخصوص در حوزه امنیتی) متناسب با واقعیت‌های منطقه قفقاز نمی‌داند و آن را مغایر با صلح و امنیت منطقه قلمداد می‌کند؛ ۲- ایران سعی می‌نماید با برقراری ارتباط حسنه با سه کشور قفقاز، از تند شدن عناصر و اندیشه‌های ضد ایرانی بکاهد و به نوعی از سیاست آمریکایی، «جابه جایی منازعه از درون قفقاز به محیط پیرامون» جلوگیری کند؛ ۳- سیاست جمهوری اسلامی بیانگر این است که واقعیت‌های ژئوپلیتیک ایران را بر حاکمان قفقاز بفهماند که کنار گذاشتن ایران در مناسبات امنیتی، اقتصادی منطقه یک ایده اشتباه است و خلأ حضور ایران را هیچ بازیگری نمی‌تواند جبران کند (فلاح، ۱۳۸۸، ۱۵).

بحث و نتیجه‌گیری

در سطح ملی کشورهای منطقه قفقاز با بی ثباتی‌های داخلی ناشی از رژیم‌های سیاسی روبرو می‌باشند که این بی ثباتی‌ها در جریان برگزاری انتخابات در این کشورها تشدید می‌شود. در سطح منطقه‌ای اختلاط اقوام و مسائل نژادی بزرگترین عامل تهدید کننده امنیت در منطقه تلقی می‌شود. این دو عامل در میان سایر کشورهای جدا شده از شوروی سابق نیز وجود دارند و از آنجا که امنیت در این کشورها به شدت وابسته به امنیت در منطقه است، لذا هرگونه درگیری و بحران حتی در خارج از قفقاز بر وضعیت این کشورها و کشورهای همسایه از جمله ج.ا. ایران تأثیرگذار است.

در سطح بین الملل پایان جنگ سرد و فروپای شوروی و تغییر در ساختار نظام بین الملل، تعدد بازیگران در منطقه، خلاء قدرت در منطقه، و اهمیت ژئوپولیتیکی و ژئواکونومیکی منطقه سبب گردید تا رقابت‌های راهبردی قدرت‌های بزرگ در منطقه با چالش‌ها و تحولات سیاسی- امنیتی فراگیری مواجه شوند. تا جایی که در مواقعی شرایط بحرانی و جنگ را باعث شده و تهدیداتی را علیه ایران و همسایگان این منطقه به دنبال داشته است. به طور کلی بررسی تهدیدات در سطوح مختلف بیانگر آن است که در وهله نخست وضعیت منطقه متأثر از منابع تهدیدات گسترده امنیتی در سطح داخلی و منطقه‌ای است که در سطح بالاتر آن‌ها را با آسیب پذیری‌های گوناگون از سوی رقابت‌های قدرت‌های بزرگ در منطقه مواجه ساخته است. همچنین، رویکردهای امنیتی و سیاسی- نظامی بازیگران منطقه‌ای، در ابعاد مختلف بر این منطقه تأثیر گذار است. این بازیگران شامل گرجستان، ارمنستان و آذربایجان و آتش مناقشات همچنان مشتعل آنان در آبخازیا، اوستیا و قره باغ کوهستانی است. افزون بر آن تأثیر و اعمال نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای چون ترکیه و ایران و قدرت‌های جهانی مانند ایالات متحده، روسیه و چین، جزئی جدایی ناپذیر از آرایش قدرت در منطقه محسوب می‌شوند. در این راستا، افزایش حضور و نفوذ آمریکا و ناتو در محیط امنیتی ایران و استفاده کشورهای قفقاز جنوبی از آن‌ها به عنوان عامل متوازن کننده با همسایگان در بلند مدت، تهدیدی جدی علیه امنیت ملی ایران محسوب شده و حضوری این چنین، جو بی اعتمادی نسبت به ایران را افزایش داده و تلاش‌های میانجی‌گرانه آن را بی ثمر گذاشته است که باید با شکل‌گیری این تهدید مقابله شود. بنابراین، دستیابی به شرایط مطلوب امنیتی- نظامی و سیاسی در حوزه شمالی، از طریق گسترش همکاری‌های دوجانبه با کشورها و همکاری‌های چند جانبه منطقه‌ای میسر خواهد بود. همچنین، باید تحولات در دریای خزر مورد توجه بیشتری قرار گیرد و در جهت رسیدن به توافق در خصوص رژیم دریای خزر به خصوص توافق در مسایل امنیتی و نظامی، تلاش مضاعفی صورت گیرد.

منابع

- مهدیزاد، غلامرضا (۱۳۸۸/۰۱/۰۷)، آسیای مرکزی، قفقاز و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. از: <http://www.bashgah.net/pages-40500.html>
- فلاح، رحمت الله. (۱۳۸۸/۶/۱۸)، روزنامه ایران. شماره ۴۳۰۷. از: <http://Rstnstrateggicreview.orrng/?p=58635>
- احمدی، حمید (۱۳۸۷)، «استراتژی نوین پان ترکیسم: استراتژی ختنه»، ماهنامه طرح نو. شماره شانزدهم.
- افضل، رسول و حسینی، مجید. (۱۳۸۷)، «بررسی و تحلیل تحولات ژئوپلیتیکی ترکیه و تأثیر آن بر ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره اول، بهار. صص. ۱۷۶-۱۵۱.
- امیری، مهدی (۱۳۸۳)، «نگاه ویژه ناتو به آسیای مرکزی و قفقاز و نگرانی روسیه»، ازسایت: www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=pp00020040908250416
- امام جمعه زاده، جواد و تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۸)، «جنگ سرد تازه و گزینه‌های ممکن برای آسیای مرکزی و قفقاز در آرایش تازه قدرت‌های جهانی»، ماهنامه سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۴۱.۲۴۲، خرداد و تیر. صص. ۲۳-۳.
- حیدراف، عبدالصمد (۱۳۸۶)، «نگرش ایران به گسترش ناتو»، ترجمه سعید نقی زاده، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال شانزدهم. دوره چهارم، شماره ۵۹، پاییز. صص. ۶۵-۸۵.
- حیدری، محمد و محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۶)، «تحولات ژئوپلیتیکی دهه پایانی قرن بیستم و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره دوم، تابستان. صص. ۲۴-۴۵.
- فیاضی، محسن (۱۳۸۶)، «رقابت پیرامون انرژی آسیای مرکزی و قفقاز»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پانزدهم، دوره چهارم، شماره ۶۰، زمستان. صص. ۷۸-۱۱۲.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۷)، «امنیت آسیای جنوب باختری در ژئوپلیتیک قرن بیست و یکم»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال اول، شماره ۲، تابستان و پاییز. صص. ۶۵-۸۳.
- محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۴)، «چالش‌های ژئوپلیتیک ایران در محیط پیرامونی دریای خزر»، ویژه نامه ژئوپلیتیک، بهار.
- Hellen, Juri uibopov, (2005). *The Caspian sea: Atangle of legal problems. The world today, vol, 51. June.11-43.*
- Igginore, Radionov, (2008). *Advocates creation of defense, CDPSP, vol. 48.no.52. jan. 21.67-98.*
- Alison, Roy.(2007). *Estrategic Reassertion in Russias Central Asia Policy". International Affairs, Vol 80.no2.123-149.*
- Gumpel , Werner. (2004)., *"Economic and Political Development in the Central Asia Turkish Republic", Eurasian Studies, 4 : 9 , Summer. 26-56.*